



مقاله پژوهشی

بررسی آثار پیکرتراشی و نقش برجسته‌ها در روم باستان

محمدعلی دانش صدیق^{۱*}

۱- دانشجوی دکتری هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌المللی کیش. (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵

صفحات: ۱۳۲ - ۱۵۳

چکیده

هنر امپراتوری روم یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین دوره‌های هنری در تاریخ بشر است. این هنر تحت تأثیر فرهنگ‌های مختلف به‌ویژه یونان واقع شده و در طول قرن‌ها دچار تحولاتی شده است. مجسمه‌سازی و نقش برجسته‌ها در دوران امپراتوری نه تنها زیبایی‌شناسی را دربرمی‌گرفت؛ بلکه به‌عنوان ابزاری برای بیان قدرت و مقام اجتماعی نیز عمل می‌کرده است. شخصیت‌هایی که هنر آن‌ها را به یکدیگر پیوند می‌داد نه تنها پیکرتراشی بود؛ بلکه نقش برجسته‌ها نقشی چشمگیر در هنر و بیان قدرت امپراتوری در دوران باستان عمل می‌کرده است. حتی امروزه ما شاهد استفاده‌های بسیار در هنر طراحی و مجسمه‌سازی هستیم. حتی در دوره تازه تأسیس امپراتوری هنر روم به بهترین وجه بر دیگر کشورها آشکار شد. (پژوهشگر) نقش هنر مجسمه‌سازی که بیشتر از پرتوهای تشکیل می‌شدند، با دقت در جزئیات چهره، شخصیت و اقتدار فرد را به خوبی به نمایش می‌گذاشتند. هنر در این دوره بیشتر به سمت گرایش‌های سیاسی بود تا هنری و این نشان از منظم بودن و باثبات بودن در نظام سیاسی و اجتماعی دوران امپراتوری قلمداد می‌شد.

واژگان کلیدی: روم، امپراتوری، جنگ و تاریخ، زوال.

1* - malidanesh89@gmail.com



■ Research Article

Study of Sculptural Works and Reliefs in Ancient Rome

Mohammadali Daneshsadiq ^{1*}

1- PhD Student in Art, International Kish Branch, Islamic Azad University, Kish, Iran. (Corresponding Author)

Receive Date: 2025/09/16

Accept Date: 2025/09/27

Pages: 132 - 153

Abstract

The art of the Roman Empire is one of the most significant and influential artistic periods in human history. This artistic tradition was shaped by various cultures, particularly Greek civilization, and underwent transformations over the centuries. Sculpture and reliefs during the imperial era not only embodied aesthetic values but also functioned as instruments for expressing power and social status. The figures represented in these works were connected not merely through sculptural form; reliefs themselves played a prominent role in conveying imperial authority and ideological expression in antiquity. Even today, their influence can be observed in contemporary design and sculpture. From the early formation of the Empire, Roman art manifested its presence strongly across other regions. Sculptural art, especially portraiture, emphasized detailed facial features to convey personality and authority with remarkable clarity. Artistic production in this period tended more toward political purposes than purely aesthetic ones, reflecting the structured and stable nature of the political and social system of the Roman Empire.

Keywords: Rome, Empire, War and History, Decline



1* - malidanesh89@gmail.com

مقدمه

پیکر قیصر می‌گیرید و اعلام می‌دارد که آماده است به دست توطئه‌گران کشته شود.

(منبع جولیس قیصر، ویلیام شکسپیر، ترجمه ابوالحسن تنهایی، انتشارات نگاه)

رم (Provincial di Roma) پایتخت ایتالیا، به‌عنوان پایتخت امپراتوری روم، برای سده‌های پیاپی از مراکز سیاسی و مذهبی تمدن غرب بود.

۳۱ سال پیش از میلاد

در آخرین جنگ قدرت جمهوری، اوکتاویانوس، پسرخوانده قیصر، با غلبه بر آخرین مدعیان خود در محل اکتیوم واقع در غرب یونان کنترل قاطعی را بر حوزه مدیریتانه اعمال می‌کند.

۲۷ سال پیش از میلاد (آغاز دوران امپراتوری)

با تأیید سنا، اوکتاویانوس نام آگوستوس بر خود می‌نهد. مورخان همواره از این تاریخ به‌عنوان آغاز امپراتوری روم و از آگوستوس به‌عنوان نخستین امپراتور یاد می‌کنند.

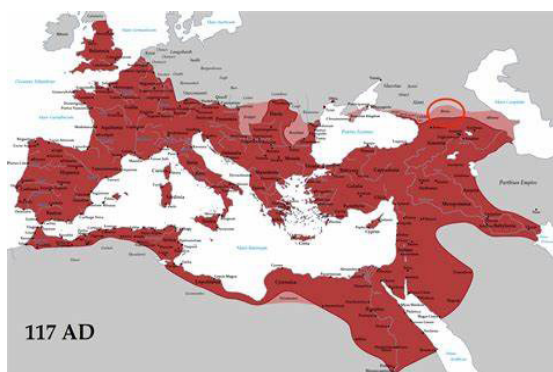
دوران امپراتوری

ناردو در اینباره گفته است که امپراتوران، نه‌تنها به‌عنوان فرمانده نظامی؛ بلکه به‌عنوان رهبران سیاسی و حتی مذهبی نیز شناخته می‌شدند. وی نظر بر این دارد که تغییر از جمهوری به دوران امپراتوری، باعث ایجاد تنش‌های اجتماعی و حتی سیاسی در جامعه آن زمان است.

وی گفته است که میراث روم تا نابودی‌اش بعد از سال‌های سال هنوز پابرجا مانده است.

نقشه امپراتوری روم در زمانداری امپراتور تراژان ۱۱۷ سال پیش از

میلاد مسیح



امپراتوری روم دستاوردی چشمگیر بود. با جمعیتی حدود شصت میلیون نفر در پهنه‌ای گسترده که بخش‌های بزرگی از اروپا و آفریقا و حتی آسیا را دربرمی‌گرفت. این امپراتوری، بیش‌ازهرچیز، حکومت قدرت بود. خشونت و سرکوبی و

در تاریخ روم (مانند تمام تاریخ باستان) تاریخ دقیق رویدادها و زندگی حتی افراد مهم اغلب به‌طور دقیق در منابع باقی مانده ما ثبت نشده است. تاریخ روم همچنان داستانی است که با ابهامات و مجادلات مشخص می‌شود. دورانی که در روم، به‌عنوان عصر طلایی تفسیر کنند، دوره‌ای از جنگ داخلی که در آن سیستم حکومتی معروف به جمهوری روم با خشونت به یک سلطنت پنهان تحت حکومت آگوستوس تبدیل شد، سیستم حکومتی که امروزه به‌عنوان امپراتوری روم شناخته می‌شود.

لیوی در مقدمه تاریخ رومی خود به این دوران اشاره می‌کند و با تأسف از آن می‌گوید: "این مواقعی که ما نه می‌توانیم در برابر بدی‌های خود مقاومت کنیم و نه راه‌حلی برای آن‌ها".

رومی‌ها از اقوام لاتین بودند که در حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد از اروپای شرقی به بخش مرکزی ایتالیا کوچ کرده بودند؛ اما حدود سده ششم پیش از میلاد، ابتدا براتروسک‌ها و سپس بر بخش‌هایی از اروپا، آسیای صغیر (ترکیه کنونی) و شمال آفریقا مسلط شدند و کم‌کم تمامی این نواحی به نام امپراتوری روم شناخته می‌شد.

مورتیمر جمبزن، محقق صاحب نظر چنین خاطر نشان می‌سازد: تاریخ بشریت درباره موفقیت درایت سیاسی، نمونه درخشان‌تری از امپراتوری روم نشان نمی‌دهد و امپراتوری که سراسر قطعه متمدن غرب را بیش از دوسده متحد ساخت. بعدها هیچ دولتی قادر به دستیابی به چنین موقعیتی نشد.

دوران جمهوری

رم جلوی کاپیتول: قیصر هشدار پیشگو را نمی‌خواند و در عمارت سنا در زیر نگاه مضطرب توطئه‌گران بر کرسی خویش می‌نشیند. متلوس سیمبر در برابر قیصر زانو می‌زند و درخواست نامه‌ای را به او تقدیم می‌کند که قیصر به این درخواست نیز توجهی نمی‌کند. سیمبر از دیگران یاری می‌خواهد و یاری خواستن نشانه‌ای است میان توطئه‌گران برای دشمنی زدن به قیصر.

توطئه‌گران از چند جهت به قیصر حمله می‌کنند، از پیش‌و‌پس به اوضربه‌های مهلک می‌زنند، قیصر را به زمین می‌اندازند و می‌کشند. بروتوس ابتکار عمل را به‌دست می‌گیرد، تربونیوس گزارش می‌دهد که مارک انتونی گریخته است؛ اما خدمتکار انتونی با پیامی صلح‌آمیز از راه می‌رسد و به‌دنبال او خود انتونی نیز حضور می‌یابد و کوتاه‌زمانی بر

این‌همه زبان اروپایی از آنجا جاری شد.

دوران زوال امپراتوری و تجزیه شدن روم به دو بخش شرقی و غربی

سورن خطاب به زنوبیا: سال‌هاست که ژرمن‌ها به مرزهای روم می‌تازند و همواره شکست خورده‌اند و بس نشسته‌اند.

زنوبیا خطاب به کارن:

و سال بعد بازماندگان خستگی ناپذیرشان به سمت مرزهای روم تاختند و باز.

کارن خطاب به زنوبیا:

رم قرن‌هاست که قدرتمند و استوار است و با یورش ژرمن‌های وحشی فرو نمی‌باشد.

زنوبیا خطاب به امپراتور:

اما آن‌ها از این همه جنگ و شورش زخم‌های سهمناک بسیاری بر تنشان نشسته است و ناتوان شده‌اند، همدستی ایرانیان قدرتمند با ژرمن‌ها، مصری‌ها و پالمیرا نابودشان می‌کند.

لائودیس خطاب به امپراتور:

دیگر پالمیرایی وجود ندارد.

حدود سال ۱۸۰ میلادی

مرگ امپراتور مارکوس اورلیوس، نقطه پایانی برای عهد صلح رومی و آغاز لغزش‌های روم یکی پس از دیگری به دوران دشوار اقتصادی و سیاسی و دست‌آورد نزدیک شدن به هرچومرج.

همچنین به‌کارگیری قدرت برای همگون‌سازی فرهنگ‌های گوناگون.

میراث گران‌بهایی که آگوستوس برای جانشینان خود گذاشت، پندی بود و آن اینکه امپراتوری را محدود پندی بود و آن اینکه امپراتوری را محدود کنند به حدود و ثغوری که گویی دست طبیعت به‌منزله مرزی و برج و بارویی محکم در اطراف آن قرار داده بود.



زبان لاتین رومی‌ها از لاتیم (latium) گرفتند که همسایه آن‌ها بود، به‌عنوان زبان رسمی خود انتخاب کردند و بعدها



حدود سال ۲۸۴ میلادی

دیوکلتیانوس دوم امپراتور می‌شود و به اصلاحات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همه جانبه‌ای دست می‌زند، امپراتوری از نو ساخته می‌شود.

گیبیون تنها مورخی است که بیش از صدسال از نگارش کتابش می‌گذرد و با این حال، مردمان تحصیل کرده‌ای که تخصصی در تاریخ ندارند، نوشته‌هایش را مرتب می‌خوانند... بدین دلیل که عظمت موضوع خاطر انسان را جلب می‌سازد و مایه‌ی تهییج خاطر و برانگیختن حس دلسوزی خواننده می‌شود؛ زیرا چون خواننده تاریخ امپراتوری روم را می‌گشاید، خود را بی‌درنگ با وضعی روبه‌رو می‌بیند که بشر با اشیاق تمام آرزوی تحققش را داشته است.

امپراتوری روم، عهدی بود که متمدن‌ترین افراد در سایه‌ی صلح و آرامش دست اتحاد به هم داده بودند و در دوره‌ای از تاریخ جهان می‌زیستند که بهترین شرایط خوشبختی و کامرانی برای انبای بشر موجود بود.

در اواخر دوران امپراتوری، آمیختن با فساد و رعایت نکردن اصول مذهبی، یکی از عوامل مهم سقوط امپراتوری روم بود.

گیبون معتقد بود که دیرنشینی و نقارهایی که میان پیروان مسالک در داخل کلیسا بروز کرد، عوامل مهمی در سست کردن امپراتوری بنیان امپراتوری رم بود (فصل سی‌وسوم، ص ۵۲۲).



موقعیت افراد مهاجم و موقعیت و جایگاه آن‌ها در دوره‌ی اواخر زمامداری امپراتوری و قبل از تجزیه شدن نهایی این امپراتوری عظیم به دو بخش شرقی و غربی، ص.

فکوهی در این باب می‌گوید:

شهرهای رومی به‌ویژه شهر روم، دائماً و به‌خصوص در طول قرن پنجم میلادی آماج حملات جمعیت‌های کوچنده، فقیر و جنگجوی شمال شرق اروپا قرار داشتند. این امر به‌رغم گسترش چشمگیر تمدن روم و استحکام امپراتوری روم در طول چندین قرن، همچنان ادامه داشت.

فرورفتن روم در فساد گسترده‌ی اخلاقی و بحران معنوی حاصل از زندگی پرتجمل و کاملاً انگل‌وار ناشی از غارت سرزمین‌های زیرسلطه، ساختار این امپراتوری را در اواخر عمرش کاملاً شکننده کرده بود. در این میان، پذیرفتن مسیحیت به‌عنوان مذهب رسمی از قرن چهارم و ژرمنی شدن هرچه بیشتر ارتش روم، سبب ضعف هرچه بیشتر آن شد. به این ترتیب، روم نتوانست در مقابل حملات شدت یافته‌ی قبایل بربر در قرن پنجم تاب بیاورد و در سال ۴۶۵ میلادی سقوط کرد. شهر روم به غارت رفت و از امپراتوری روم چیزی جز بخش کوچکی در شرق (روم شرقی یا بیزانس) باقی نماند. از این زمان، سرزمین‌های پیشین امپراتوری در دست گروه‌های قومی متعددی چون ویزیگوت‌ها در اسپانیا، فرانک‌ها در گل یا فرانسه کنونی، لومباردها در ایتالیا و مهم‌تر از همه واندال‌ها در آفریقای شمالی قرار گرفتند و روم غربی سقوط کرد.

پیکره‌های دوران امپراتوری

دوره‌ی امپراتوری

آگوستوس یا اوکتاویانوس



تندیس تراژان، جنس برنز، ۹۸۰میلادی، محل نگهداری دیوار شهر رومی و قرون وسطایی، شهر لندن، انگلستان.

از فرزندخواندگی رسمی با مرگ شوهرش آگوستوس که در وصیتنامه خود نام برده بود، در خانواده جولیان در حدود سده ۱۴ میلادی مورد قبول واقع شده و به لقب جولیا آوستا معروف شد.

تاسیتوس (بوبلیوس یا گایوس، سناتور و تاریخ‌نگار معروف رومی بود. همچنین وی را یکی از بزرگ‌ترین تاریخ‌نگاران رومی می‌دانند. وی در دوره‌ای زندگی می‌کرد که عصر نقره‌ای ادبیات لاتین شهرت دارد). درباره او نوشته است: "لیویا: آفت برملت به عنوان مادر، آفت بر خانه قیصر به عنوان نامادری".

تیبیریوس (۱۴ تا ۳۷ میلادی)

هنگامی تیبیریوس به سلطنت رسید، او نیز مانند امپراتور قبلی؛ یعنی آگوستوس، سیاست‌های او را در پیش گرفت و اهداف او را دنبال کرد. تیبیریوس بسیار خوش‌قلب و خوش‌فکر بود. به گفته مورخان رومی، او برخلاف امپراتوران دیگر هیچ علاقه‌ای به دیدن نبرد گلادیاتورها نداشت و همین موضوع باعث محبوبیت او در میان مردم شد. به گفته مورخان تیبیریوس از رعدوبرق وحشت فراوان داشت. اگرچه تیبیریوس در میان مردم محبوبیت داشت؛ ولی این موضوع تغییر کرد و او به یک چهره منفور تبدیل شد.

از دیگر اقدامات تیبیریوس پس از این وقایع، حمله وی به ژرمانیا بود. او سعی کرد تا کار ناتمام آگوستوس را به پایان برساند و کار ژرمن‌ها را در ژرمانیا ماگنا (آلمان امروزی) تمام کند؛ ولی مشکلات و بحران‌هایی که پس از مرگ ژرمانیکوس روی داد، او را از پرداختن به کار ژرمن‌ها بازداشت. هرچند که او به پیروزی‌های نسبی نیز دست یافت.

سرانجام تیبیریوس در ۱۶ مارس سال ۳۷ میلادی و در ۷۷ سالگی در شهر میسنوم درگذشت.

مارکوس آنتونیوس یا مارک آنتونی آخرین رقیب جدی اوکتاویانوس (بعدها به عنوان آگوستوس) بر امپراتوری روم بود. تحت فرماندهی ژولیوس سزار در گل و در جریان جنگ داخلی خدمت کرد و فرماندهی جناح چپ او را در نبرد نهایلی فارسلوس برعهده داشت.

کالیگولا

داندو کالینز می‌گوید قطعا نیازی به گفتن نیست که کالیگولا با وجود برپا کردن مجالس آمیزش گروهی یا اجبار والدین به تماشای کشته شدن فرزندانشان، مردی بسیار خطرناک بوده است. در حقیقت چنان بود که اگر کالیگولا در اواخر دوران امپراتوری خود از شما روی برمی‌گرداند، دیگر وفاداری و دوستی به دادتان نمی‌رسید.

پس از گذشت نزدیک به دوهزار سال قطعات قابل توجهی از دیواری که زمانی از بندر رومی لیدنیوم دفاع می‌کرد، هنوز باقیمانده است. این دیوار در حدود ۲۰۰ سال پس از میلاد مسیح ساخته شد و همراه با دیوار امپراتور هادریان و شبکه‌های جاده‌های رومی، یکی از بزرگ‌ترین ویژگی‌های معماری رومی بود که در بریتانیا ساخته شده است.

رومی‌ها دارای Lugdunum هستند که در زیر یک خط السراس در محل تلاقی آراز و رون بنا شده است. این شهر پرجمعیت‌ترین شهر به جز ناریواست؛ زیرا مرکز تجارت است و امپراتوران روم سکه‌های نقره و طلای خود را در آنجا می‌زنند.

آگوستا

این عنوان دلالت بر بزرگ‌ترین و برترین اعتبار را داشت و به قدرتمندترین و پرنفوذترین زن امپراتوری که اعتبار عظیمی داشت، اعطا می‌شد، این عنوان بر اعتبار و عظمت آنان به شدت می‌افزود. آگوستا می‌توانست سکه‌های خود را صادر کند، لباس‌های باشکوه امپریالیستی بپوشد و در دربار و دادگاه‌های شوهر و پسر خود در غیابشان حکمرانی کند، تعداد محدودی از آگوستایان قدرتمند توانستند در جلسات سنا حضور داشته و در آن حاکم باشند؛ برای نمونه می‌توان به جولیا اگریپینا، جولیا دومنا، جولیا مائسا، جولیا سوئمپاس و جولیا آویتا مامیا اشاره کرد.

ماه آگوست به نام او نام‌گذاری شده است و یکی از تعاریف فرهنگ لغت آگوستوس این است: "احترام یا تحسین برانگیزاننده، و قار یا عظمت عالی".

گیبیون در باب وی گفته است: آگوستوس مناسب وضع خود و طبعی که داشت میلش به صلح بود و هم به این علت به آسانی دریافت که روم با همه رفعت قدر و منزلت اگر بخت خویشتن را در میدان نبرد بیازماییم، زیان بیشتر و امید سود کمتر است و جنگ کردن در نواحی دور هر روز مشکل‌تر و نتیجه‌اش نامعلوم‌تر و سرزمین تازه مسخرشده بنیانش متزلزل‌تر و فایده‌اش کمتر.

لیویا دروسیلا (جولیا آگوستا)

وی قبل از اینکه به چنین مقامی نائل گردد، در حدود سال ۴۰ قبل از میلاد، خانواده وی مجبور به ترک شبه جزیره ایتالیا شدند تا از ممنوعیت اعلام‌شده توسط اکتاویان جلوگیری کنند.

همسر و مشاور امپراتور آگوستوس و مادر امپراتور تیبیریوس بود و برای تضمین جانشینی او دسیسه‌چینی کرد. وی پس

یک سری رویداد ورزشی تفریحی جذاب؛ از قبیل مسابقات ارابه‌رانی تا مشت‌زنی و نمایش‌ها و جنگ‌های گلادیاتوری به راه انداخت؛ ولی هنوز ۶ یا ۷ ماه از دوران زمامداری او نگذشته بود که همه چیز تغییر کرد. داندو کالینز متذکر می‌شود: «اورفتارهای متناقض و دوگانه‌ای داشت. در واقع چنان بود که شخصا علیه سناتورهای روم شکایت‌هایی تنظیم می‌کرد و خود را نخبه حقوقی دوران خود می‌دانست تا بتواند طی روالی کوتاه‌مدت افراد زیادی را بدون هیچ‌گونه مدرکی اعدام کند. در مقابل، وقتی که نسبت به احکام مجلس سنا اعتراضی داشت، هیچ‌وقت آن احکام را باطل نمی‌کرد. این درحالی بود که کاملاً قدرت این کار را داشت.»

هنگام تولد کالیگولا، حکومت آگوستوس، اولین امپراتور روم، آخرین نفس‌هایش را می‌کشید. با امپراتوری آگوستوس، دوره جدیدی از امپراتوری روم آغاز شده بود؛ دوره‌ای که قدرت به دست یک نفر افتاد. در همین دوره جدید بود که حکومت روم به دورانی پرتلاطم فرورفت. تیبیریوس، فرزندخوانده آگوستوس رغبت چندانی به امپراتوری نداشت. در حقیقت وارثان تخت پادشاهی نوه‌های نوجوان آگوستوس بودند که هر دو آن‌ها پیش از خود آگوستوس از دنیا رفتند. او در آغاز حکومت بسیار مقبول عامه بود. اوزندانایانی که حاکمان پیشین به ناحق در بند کرده بودند، آزاد کرد و مالیاتی که پرداخت آن کمر مردم را شکسته بود، برداشت. کالیگولا

«امپراتور کالیگولا در حال منصوب کردن اسبش به کنسولگری» اثری از پیترودا کورتونا، ۱۵۴۸ میلادی.



امپراتور جوان چنان علاقه‌ای به اسب نر محبوب خود داشت که خانه خود را با یک غرفه مرمر و یک آخور عاج به اینسیتاتوس داد. مورخ دیگری به نام کاسیوس دیونوشت که خدمتکاران جورا با مخلوطی از ورقه‌های طلا به حیوان می‌دادند.

والرین (valerian)

نام کامل او با عنوان پوبلیوس لیسینیوس والرینوس (valerianus) شناخته می‌شد. وی که از سال ۲۵۳ میلادی تا ۲۶۰ میلادی امپراتور روم بوده است.

این جنگ بین والرین و شاپور به عنوان یکی از مهم‌ترین نبردهای تاریخ است، به عنوان نبرد اودسا (در دوران روم، شهر مهم مرزی با امپراتوری ساسانی بود. این شهر در زمان بیزانسی‌ها جاستین نپولیس (justinopolis) نامیده می‌شد که در ایالت اسروئن (ترکیه امروز) حدود ۲۶۰ میلادی روی داد.

زنوبیا در دوران زمداری‌اش همواره مواظب بود که با روم درگیری نظامی نداشته باشد.

گیبون در باب وی گفته است: زنوبیا شاید تنها زنی باشد که به کمک برتری نبوغ خود توانست یوغ فرودستی کنیزواری را که اقلیم و آداب و رسوم آسیایی به جنس او تحمیل کرده بود، کنار بزند. او تبار خود را به شاهان مقدونی مصر می‌رساند، در زیبایی همتای نیای خود کلئوپاترا شمرده می‌شد و پاکدامنی و شهامتش از آن شاهدخت بسی فراتر می‌رفت. زنوبیا را در زمان خود هم دوست‌داشتنی‌ترین و هم دلیرترین زنان می‌دانستند. او پوستی تیره داشت، دندان‌هایش از سپیدی همچون مروارید می‌درخشیدند و در چشمان درشت سیاهش آتشی خیره‌کننده شعله می‌کشید. شخصیت او سراپا شیرینی و جذابیت بود. لحن صحبتش محکم و خوش‌آهنگ بود. فهمیدگی مردانه‌اش به زیور دانش آراسته و تقویت شده بود. از زبان لاتین بی‌بهره نبود؛ اما در زبان‌های یونانی، سوری و مصری نیز همان درجه از کمال را به نمایش می‌گذاشت.

اواخر دوره زمام‌داری زنوبیا و کشتن وی

در قبل از یه اسارت گرفتن وی توسط اورلیانوس، در همان سال ۲۷۲ میلادی مصر را فتح کردند. وی در حدود سال ۲۷۲ میلادی در حمص مغلوب اورلیانوس شد و به اسارت درآمد.

در اینباره به اسارت درآمدن و کشته شدن وی شعری سروده‌اند:

زنوبیا، زنوبیا می‌شنوی؟

ای زنوبیا می‌شنوی؟

شیپورهای روم است که

پایان تدمر را اعلام می‌کند.

تدمر، ای ستاره سرزمین‌های شرقی

روم تو را محاصره کرده

و قهرمانان تو به شهادت رسیده‌اند.

فرار کن زنوبیا

فرار کن!

فرار کن!

فرار کن!

تراژان (ترایانوس)

با مرگ ناپهنگام نروا، جانشینش تراژان که فرزند مارکوس اولپینوس ترایانوس بود، به حکومت رسید. مهم‌ترین رویداد حکومت تراژان، حمله به شرق بود. در سال ۱۰۲ تا ۱۱۲ میلادی، رومی‌ها از اینکه دولت اشکانیان یک حاکم دست‌نشانده را

امپراتور والرین در سال ۲۵۳ میلادی بر تخت نشست. والرین امپراتور شصت ساله با تجهیز سپاهی بزرگ از جنوب اروپا به انطاکیه رفت تا شکست پیشین در برابر ساسانیان را جبران کند. والرین به سرعت در سال ۲۵۹ میلادی انطاکیه را از ساسانیان پس گرفت و برای جشن گرفتن این پیروزی آغازین خود، سکه‌های پیروزی ضرب کرد.

ادوارد گیبون در این‌باره می‌گوید: هر سرنوشتی که وی در ایران بدان دچار شد، این یک چیز قطعی است که وی تنها امپراتور روم بود که به دست دشمن افتاد و مابقی عمرش را در اسارت گذراند. کریستین سن در این‌باره بیان می‌کند: والرینانوس امپراتور روم اسیر ایرانیان شد. تصویر شاپور در نقش رستم گویای آن است که شاپور با اشاره شاهانه، امپراتور مغلوب را امان می‌دهد. شاپور دست راست خود را به علامت بخشایش به جانب امپراتور که در مقابل او زانو زده، دراز کرده است. امپراتور در کمال خضوع به زمین زانو زده و هردو دست را به سوی شاهنشاه دراز کرده و امان می‌خواهد. سرانجام وفات او در شهر گندی شاپور واقع شد.

سنگ‌نگاره پیروزی شاپور بر امپراتوران روم، در سه کیلومتری شمال تخت جمشید و در ده متری شرق آرامگاه داریوش بزرگ قرار گرفته و حدود ۱۱ متر طول و ۵ متر عرض دارد. این سنگ‌نگاره صحنه اسارت والرین را نشان می‌دهد که به دستور شاپور اول در حدود سال ۲۶۲ میلادی تراشیده شده است.

این نقش سه برابر اندازه طبیعی است و از حیث دقت در جزئیات و ظریف‌کاری یکی از بهترین نقش‌های دوره ساسانی است و مشخص است که از روی طبیعت ساخته شده؛ زیرا حتی لباس والرین درست مطابق جامه‌های رومی آن زمان است.

اودناتوس

زنوبیا

زنوبیا، نام اصلی وی «یولیا آتورلیا» است. زنوبیا شهروند روم شمرده می‌شد، بدین دلیل والید وی از مدت‌ها قبل در زمان فرمانروایی مارکوس اولیورس حق شهروندی روم را به دست آورده بودند.

ملکه تدمر، نماد استقامت ۲۴۰ تا ۲۷۳ میلادی. او هم‌روزگار با آخرین دوره از تاریخ امپراتوری روم، بحران قدرت در قرن سوم میلادی، دوره‌ای که مشخصه اصلی آن تداوم جنگ داخلی و گسستن بخش‌های گوناگون قلمرو امپراتوری از حکومت مرکزی بود.

نابسامانی حکومت مرکزی روم در این دوره به حدی بود که هرگونه تلاش برای دست‌اندازی همیشگی به سرزمین‌های خارج از حیطه مدنظر، امپراتوری روم را به شدت به حاشیه رانده بود.

بدون هماهنگی رومی‌ها برارمنستان منصوب کرده بودند، عصبانی شدند. همچنین ارمنستان، سرزمین پادشاهی بود که دو امپراتوری بزرگ روم و اشکانی از سال‌ها پیش به‌طور مشترک بر آن سلطه و نفوذ داشتند. تراژان در آغاز به‌سوی ارمنستان لشکرکشی کرد. او شاه ارمنستان را که از طرف اشکانیان منصوب شده بود، از مقام سلطنت خلع کرد و ارمنستان را به امپراتوری ملحق کرد. سپس به سمت جنوب حرکت کرد و به میان‌رودان؛ یعنی سرزمین غربی اشکانیان وارد شد و شهر بابل، سلوکیه و تیسفون را تصرف کرد. او سپس به مسیر خود به طرف خلیج فارس ادامه داد و شهر بزرگ شوش را نیز تصرف کرد؛ اما با خروج ارتش روم، ایرانی‌ها شورش کردند و به این ترتیب این شهرها دوباره به‌دست اشکانیان افتاد و خسرو اشکانی دوباره به حکومت رسید. [۲]

حدود سال ۱۱۴ میلادی: آغاز کشورگشایی و لشکرکشی‌های تراژان به سمت شرق. امپراتوری روم علیه دولت اشکانی اعلان جنگ کرد و ارمنستان را ضمیمه خاک خود کرد.

امپراتور تراژان (سلطنتی ۹۸-۱۱۷ میلادی) عنوان Optimus یا "بهترین" را به‌دست آورد. این تراژان بود که نه تنها مرزهای امپراتوری روم را تا حد زیادی گسترش داد؛ بلکه با خیرخواهی و سخاوت‌مندی مجرد در برابر افراد خود اداره کرد.

انتخاب تراژان به‌عنوان امپراتور نرو، پیشینه مهمی را برای حاکمان روم رقم زد. تراجان یک فرمانده نظامی با ریشه‌های اسپانیایی بود، اولین امپراتور که در خارج از ایتالیا به دنیا آمد. پیام ارتقاء وی واضح بود: مردان واجد شرایط و تحصیل‌کرده از سراسر امپراتوری می‌توانند به بالاترین مقام سرزمین آرزو کنند

LONDON'S ROMAN & MEDIEVAL CITY WALL

تراژان دسترسی امپراتوری در بین‌النهرین تا خلیج فارس را گسترش داد؛ اما او بهتر به خاطر مبارزات انتخاباتی خود علیه داکایی‌ها به یاد می‌آورد. از قلمرو خود در رومانی مدین، داسی‌ها اغلب به شهرهای مرزی رومی حمله می‌کردند. تراژان در سال ۱۰۳ میلادی با عقد پیمان صلح با دکوبالوس، پادشاه داسیان، در سال ۱۰۳ میلادی به یک حمله دو ساله به داچیا خاتمه داد. با این حال، به‌طور غیرمعمول، داسی‌ها خیلی زود پیمان را شکستند.

هنگامی که تراژان در سال ۱۰۵ میلادی به داچیا بازگشت، هیچ رمی نشان نداد. تراژان درآمد حاصل از جنگ داچیان را برای استفاده خوب در سراسر امپراتوری قرار داد. وی از اسپانیا تا بالکان تا شمال آفریقا جاده‌ها، پل‌ها، قنات‌ها و بندرگاه‌ها را ساخت. در خود روم، یک قنات جدید شهر را از شمال با آب تأمین می‌کرد.

ستون تراژان در روم باستان

این ستون تاریخی به‌عنوان یک نقطه عطف در شهر قرار دارد و یکی از بهترین آثار حفظ‌شده رم باستان است. یک سازه خیره‌کننده به‌تنهایی، علاوه بر این، در مجموع ۲۶۶۲ شکل بر روی سطح آن حک شده‌است که ۱۵۵ صحنه مختلف را به تصویر می‌کشد و به آن اجازه می‌دهد داستانی را برای خود تعریف کند. صحنه‌های مختلف، راهپیمایی‌های معروف توسط لژیون‌های رومی، نبردهای عظیم (به‌خصوص جنگ‌های داکیان)، مذاکرات، قربانی‌ها، سخنرانی‌های تراژان و بسیاری از رویدادهای سیاسی معاصر را به تصویر می‌کشند. در صحنه‌هایی از نبردهای داچیا، خود تراژان یک شخصیت برجسته در روایت کتاب مقدس است که وظایف نظامی مختلفی را انجام می‌دهد. نیازی به گفتن نیست که ستون تراژان روایت مارپیچی آن بینش دقیقی از هماهنگی، اداره و عملیات ارتش روم می‌دهد.

هادریانوس

سلسله فلاویان

سلسله فلاویان به‌عنوان خانواده‌ای از امپراتوری روم شناخته می‌شود که شامل سه فرمانروا بود که به مدت ۲۷ سال تاج‌وتخت را در اختیار داشتند و آن را کوتاه‌ترین سلسله امپراتوری روم مثل امپراتورهای ایلیری می‌دانستند.

اسامی اعضای آن عبارتند از

وسپاسیان

تیتوس

دومیتیان

مارکوس اورلیوس

فلاویان‌ها پس از چهار امپراتور، اولین جنگ داخلی پس از آغاز امپراتوری آگوستوس به قدرت رسیدند، امپراتوران آن توانستند وضعیت مالی ایالت را که از دوران زمامداری امپراتور نرون خسته شده بودند، سروسامان دهند و عواقب وحشتناکی را که در حال پایان یافتن بود، پاک کنند.

تیتوس

تیتوس فلاویوس سابینوس وسپاسیانوس زاده ۳۹ میلادی و مرگ ۸۹ میلادی است. وی دومین امپراتور از سلسله فلاویان

بود که بعد از وسپاسیان به قدرت می‌رسد. وی حدود دو سال زمامدار امپراتوری را برعهده داشت. وی فرصت نیافت که به دیگر فعالیت‌های مهم امپراتوری‌اش ادامه دهد و بر اثر بیماری طاعون درگذشت.

از مهمترین دستاوردهای نظامی وی قبل از رسیدن به مقام امپراتوری، شکست دادن شورشیان یهودی و بازگرداندن آرامش اقتدار روم در سرزمین فلسطین بود.

طاق تیتوس در شهر رم در نتیجه این پیروزی ساخته شد. او پس از فتح اورشلیم در میان مردم محبوبیت فراوانی به دست آورد.



طاق پیروزی تیتوس، سال ۷۱ میلادی



همچنین در یکی از قاب‌های نقش برجسته کاری شده، گذرگاه طاق مدنظر، سربازان ارتش روم در حال حمل غنایم تاراج‌شده از اورشلیم؛ از جمله شمعدانی هفت شاخه معروف از قدس الاقدس، مجسم شده‌اند. این صحنه رژه پیروزمندانه را پس از بازگشت امپراتور تیتوس از فتح یودیه در پایان نبردهایش با یهودیان در سال ۷۰ پس از میلاد مسیح را به نمایش می‌گذارد. همچنین خود امپراتور را می‌بینیم که از نوع لباس و حالت برجسته بودنش نسبت به دیگر پیکره‌ها و نوع کرشم خاصی به افراد دیگر متمایز می‌شود.



این نوشته روی طاق بدین عنوان معنی می‌گردد: طاق تیتوس سنا، پوپولیسری، رومیان، دیو، تیتو، ویسپاسیاناول و دوم آگوستا (امپراتور).

دومیتین

دومیتیان در قرن ششم بومی گول بود. پس از انتصاب، او به عنوان اسقف تونگر انتخاب شد؛ اما در نهایت مقر اسقفی خود را به ماستریخت منتقل کرد.

در جریان مجمع اورلئان در سال ۵۴۹، دومیتیان شرکت‌کننده قابل توجهی بود، به ویژه در بحث‌های متقاعدکننده. او توانست در بازی خود بدعت‌گذاران را شکست دهد. بعدها در فعالیت‌های تبلیغی خود در دره میوس بسیار موفق بود.

دومیتیان بسیاری از مشرکان را تغییر داد و چندین کلیسا و آسایشگاه در اسقف‌نشین خود ساخت. به علاوه، هنگامی که ثروتمندان در زمان قحطی حاضر نشدند، فراوانی خود را با فقرا تقسیم کنند، آن‌ها را به شدت مورد سرزنش قرار داد و سپس آن‌ها به فقرا

نقل قول‌هایی از کتاب تأملات، نویسنده مارکوس اورلیوس:

مرا بردار و هر جای این جهان که می‌خواهی بینداز! هر جاکه باشم، خدای قلبم را خوشحال و راضی نگه می‌دارد که این نتیجه وقتی ست که کردار و رفتار ما، طبیعت حقیقی خود را دنبال کنند.

§ آیا آنچه که بر من می‌گذرد دلیلی کافی خواهد بود برای اینکه من بیمار و شکسته، تحقیر شده و گرسنه و در غل و زنجیر باشم؟ آیا (هیچ‌جا) دلیلی کافی برای این‌گونه زیستن داری؟

§ ای هستی! نظم تو نظم درونی من است: هیچ چیز اگر در زمان مناسب توست، نه بر من زود و نه بر من دیر است. ای حقیقت هستی! هر چه که فصل‌هایت بار آرد بر من میوه (رضا) است: که همه چیز از تو می‌آید و هستی همه چیز در توست و به تو بازمی‌گردد...

§ این فکر را که «من رنج کشیده‌ام» را بیرون کن و رنج خود بیرون خواهد رفت.

§ شرم‌آور است که عقل ظاهرمان را شکل می‌دهد؛ اما قادر به شکل دادن خود نیست؛ بدیهی است که هیچ‌گاه در زندگی شرایطی بهتر از این برای فراگیری فلسفه نخواهی داشت!

§ زمانی که روز خود را آغاز می‌کنید، به این فکر کنید که چه موهبت با ارزشیست که زنده‌اید - که نفس می‌کشید، تفکر می‌کنید، لذت می‌برید که عشق می‌ورزید.

§ شادی زندگی شما به کیفیت افکارتان بستگی دارد.

§ به یاد داشته باشید یک زندگی شاد به چیزهای بسیار کمی بستگی دارد.

§ به درونت بنگر! در درونت چشمه قدرتی وجود دارد که هر وقت بخوانی اش، به تو کمک خواهد کرد.

§ خودت را در رؤیاهای داشتن چیزهایی که نداری، غرق نکن؛ اما موهبت‌هایی که دارا هستی را بشمار و شکرگزارانه به خاطر داشته باش که چطور رؤیای داشتن شان را در سرت می‌پروراندی اگر نداشتی شان.

§ هدف زندگی این نیست که با اکثریت همراه شوی؛ بلکه در نپیوستن به جمع بی‌خردان است.

§ صبحگاهان که از خواب برمی‌خیزی، با خود بگو: امروز با فضولی ناسپاسی بی‌وفایی و سونیت و خودخواهی روبه‌رو خواهم شد، تمام این‌ها ناشی از آن است که خطاکاران نمی‌توانند خوب را از بد تمیز دهند.

§ خوب زندگی کن. اگر خدایان عادل هستند پس میزان دینداری شما برایشان اهمیت ندارد؛ آن‌ها شما را بر مبنای فضیلت‌هایتان قضاوت می‌کنند؛ اما اگر خدایان ظالم هستند، پس شما نباید آن‌ها را بپرستید. اگر هم خدایانی در کار نباشند، پس شما فنا خواهید شد؛ اما قبل از مرگ زندگی باشکوهی خواهید داشت و در خاطر افرادی که

پاسخ دادند و به آن‌ها کمک کردند. سنت دومیتیان در سال ۵۶۰ درگذشت و یادگارهای او در هوی مورد احترام قرار می‌گیرد. وی گفته است: باشد که عشق ما به خدا به ما کمک کند تا از طریق اعمال خود، دیگران را به دین خود تبدیل کنیم. آمین.



سنت دومیتیان "برای ما دعا کن". آمین

مارکوس اورلیوس

مارکوس آئورلیوس آنتونیوس یا مارک اورل (به لاتین: Marcus Aurelius Antoninus، به فرانسه: Marc Aurel) از امپراتوران بزرگ روم است. او یکی از «پنج امپراتور خوب»، از دودمان آنتونی نروایی و یک فیلسوف رواقی بود. وی در ۲۶ آوریل سال ۱۲۱ میلادی زاده شد.



دوستتان دارند خواهید ماند. ادوارد گیبیون در باب وی گفته است: گفت‌وگو، درک را تقویت می‌کند؛ اما تنهایی مدرسه نبوغ است.

کومودوس

در سال ۶۱ بعد از میلاد در نزدیکی روم متولد شد و در طول سال‌های اول سلطنتش با پدرش؛ یعنی امپراتور مارکوس اورلیوس به‌طور مشترک حکومت می‌کرد. او یک شخصیت متکبر و خودخواه داشت که به مسائل سیاسی و نظامی روم توجه نمی‌کرد و به جای مدیریت امور دولتی، ترجیح می‌داد به شکار برود. وی همچنین گرایش بسیاری به نبرد گلادیاتوری داشت. نویسندگان درباب وی نوشته‌اند که او تیرانداز ورزیده‌ای بود که می‌توانست در هنگام تاخت با سیب پیکان را به پر شترمرغ نشانه رود و یا پلنگی را که در میدان رها کرده بودند، از پای دریاورد. کومودوس منابع مالی دولت را برای ساخت مجسمه‌های خودش در سراسر امپراتوری هدر می‌داد که منجر به یک بحران اقتصادی و کاهش ارزش پول روم شد.

مرگ و قتل کومودوس

کومودوس در سال ۱۹۲ میلادی بازی‌های جدیدی راه انداخت که در طی آن‌ها در صبح روز صدها نوع حیوان را در کولتوسوم را کشت و در عصر آن روز نیز به‌عنوان یک گلادیاتور مبارزه کرد. از اینجا بود که برخی از نزدیک‌ترین مشاوران او تصمیم گرفتند که دیگر کافی است و باید او را کشت. آن‌ها تصمیم گرفتند بعد از اتمام بازی‌ها کومودوس را بکشند.

مرگ کومودوس پایان فرمانروایی دودمان آنتونی نروایی بود.

پرتیناکس

پرتیناکس به مدت سه ماه امپراتور روم بود. او که فرزند یک برده بود، در ابتدا به شغل آموزگاری پرداخت و پس از آن وارد ارتش شده و فرماندهی گردان‌هایی را در سوریه، بریتانیا و در ناحیه دانوب و راین برعهده داشت. عملکرد مناسب پرتیناکس در زمان یورش بزرگ قبایل ژرمن در سال ۱۶۹ میلادی سبب شد تا او امتیازاتی به‌دست بیاورد. وی خیلی زود به مقام سناتوری نائل آمد و فرماندهی یک لژیون به او سپرده شد؛ اما پس از روی کار آمدن پرنیس، فرمانده قدرتمند پرتورین‌ها که از سال ۱۸۲ تا ۱۸۵ قدرت راستین را در دست داشت.

پرتیناکس در آخرین سال‌های حکومت کومودوس بخش‌دار روم شد. پس از قتل کومودوس، سنای روم با آغاز جلسه‌ای به فوریت پرتیناکس را امپراتور جدید اعلام نمود.

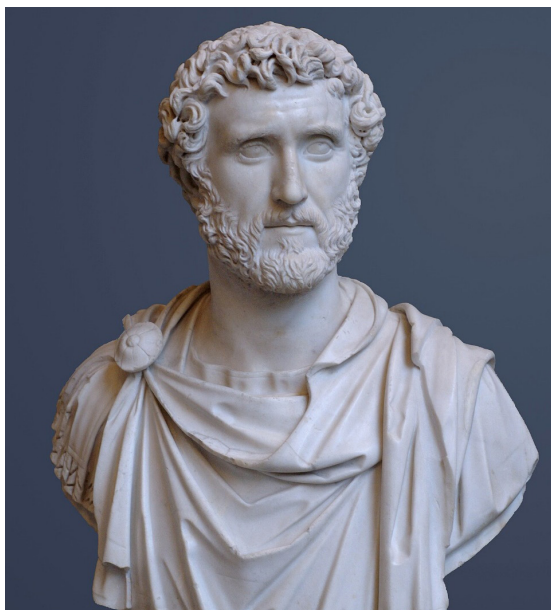
مرگ و قتل پرتیناکس

پرتیناکس پس از گذراندن ۳ ماه از دوران زمامداری‌اش، در نهایت در ۲۸ مارس سال ۱۹۳ به‌دست گروهی از پرتورین‌ها در کاخ خود به قتل رسید.

لیویوس (سوروس)

در ۱۹۵ سپتیموس سوروس امپراتور روم برای بازگردانی ارج خاندان مارکوس اورلیوس از کومودوس اعاده حیثیت کرد و سنای روم نیز وی را ستود.

آنتونیوس پیوس



آنتونیوس پیوس، حدود ۲۰۰ سال پیش از میلاد، موزه گلیپتوتک، مونیخ آلمان.



تندیس کومودوس که چون هرکول خود را آراسته، موزه کاپیتولینی

آنتونینوس پیوس با نام واقعی تیتوس اورلیوس فولووس (به لاتین: Titus Aurelius Fulvus) در سال ۸۶ میلادی در لانویوم زاده شد. پس از مرگ پدرش ثروت زیادی به ارث او رسید و در سال ۱۴۰ میلادی به مقام کنسولی نائل شد. در سال ۱۳۸ از سوی امپراتور وقت هادریانوس به عنوان افسر دارای اختیارات کنسولی به آسیا فرستاده شد و در همان سال نیز هادریانوس او را به عنوان فرزندخوانده و جانشین خود معرفی نمود. هادریانوس در ۱۰ ژوئیه ۱۳۸ درگذشت و آنتونینوس به عنوان امپراتور جدید روم بر تخت فرمانروایی نشست.

آنتونینوس را به دلیل پاسداشت یاد و خاطره هادریانوس، پیوس لقب دادند و او را آنتونینوس پیوس نامیدند. دوران حکومت آنتونینوس پیوس با آرامش و رضایت مردم همراه بود. او در مسائل عمومی همچون پدر ملت رفتار می‌کرد و اعدام مسیحیان نیز به دلیل اقدامات او تا حد زیادی متوقف شده بود. امپراتوری روم در زمان فرمانروایی او وسیع‌تر شده بود و دیواری به نام اوبا نام دیوار آنتونینی بین رودخانه‌های فورث و کلاید (واقع در بریتانیای امروزی) ساخته شد.

آنتونینوس پیوس در ۷ مارس ۱۶۱ در ۷۴ سالگی درگذشت و فرزندخوانده‌اش مارکوس اورلیوس جانشین او شد.

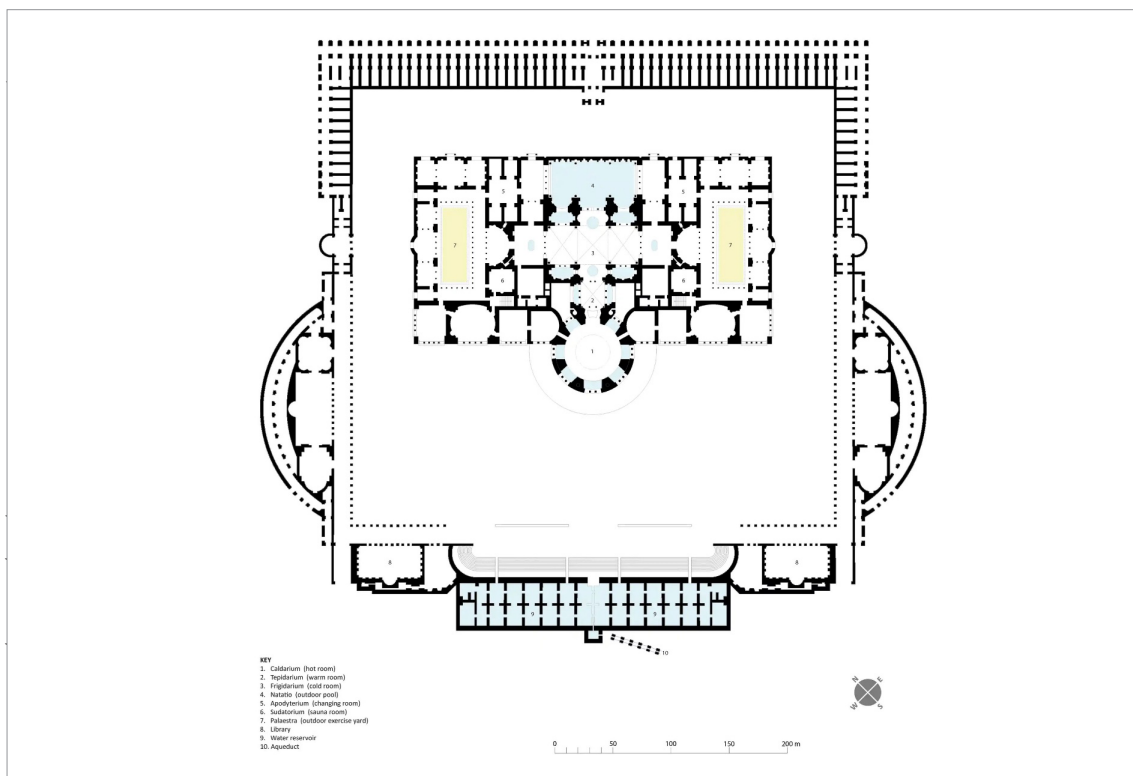


دیوار آنتونین، سال ۱۴۴ میلادی

دیوار آنتونین در سال‌های ۱۴۲-۱۴۴ پس از میلاد توسط سربازان سه لژیون رومی ساخته شد تا به عنوان مانعی بین امپراتوری روم و قبایل بومی کالدونیایی اسکاتلند باشد. این یک شاهکار مهندسی عظیم بود که نیاز به جابه‌جایی هزاران تن خاک و سنگ داشت و شمالی‌ترین مرز امپراتوری روم را مشخص کرد. دیوار آنتونین علی‌رغم طول عمر نسبتاً کوتاه خود، یک بنای مهندسی و فرهنگی چشمگیر باقی مانده است که بینشی منحصر به فرد از تاریخ منطقه ارائه می‌دهد.



کاراکالا این وان‌ها در دوره مارکوس اورلیوس آنتونیوس آگوستوس در بازه زمانی ۲۱۲ تا ۲۱۶ ساخته شده است. این‌ها مجموعه‌های حرارتی هستند که با مرمر بنا شده‌اند و دیوارهای آن پوشیده شده از آثار هنری زیباست. امپراتور کاراکالا در سال ۱۸۸ پس از میلاد در لوگدونوم (لیون امروزی) به دنیا آمد.



سوریه بود، جایی که در اوایل جوانی او به عنوان رئیس کشیش خدای خورشید سول اینویکتوس نام‌گذاری شد. پس از مرگ کاراکالا، هلیوگابال در سن تقریباً ۱۴ سالگی در شورش ارتش که توسط مادر بزرگش، جولیا مائسا، علیه جانشین کوتاه‌مدت کاراکالا، ماکرینوس و برای تصاحب قدرتی که در گذشته متعلق به خواهرش جولیا دومنا بود تحریک شده بود و به مقام پرنسپس پاتریا و پرنسپس رسید. وی به عنوان یک شهروند خصوصی احتمالاً واریوس آویتوس باسیانوس نامیده می‌شد. او پس از رسیدن به مقام امپراتور، نام مارکوس اورلیوس آنتونینوس را به خود گرفت و تنها پس از مرگ وی پس از خدای بومی خود شناخته شد.

در هنگام صعود بر تخت سلطنت، امپراتور جوان به رم رسید، در پهلوی او مادر و مادر بزرگش موقرانه در ارباب امپراتوری بودند. اولین ورود هلیوگابال در برابر سنا، با احترام و شادی روبه‌رو شد و او فرمانی صادر کرد که مادرش با او در جلسات همراه است و در مذاکرات و ملاقات‌ها با افراد داخلی و سفیران خارجی شرکت می‌کند؛ ولی سوئمیاس مثل خاله و مادر خود در سیاست توانا نبود و او علاقه چندانی به اداره حکومت نداشته و خود را بر یک سنکولون (سنا کوچک) مرکب از زنان که سابقاً همسر هادریانوس تأسیس کرده بود و به مسائل لباس‌های زنانه و جواهر و تقدم و تأخر و برگزاری تشریفات می‌پرداخت، ریاست می‌کرد. در واقع حکمرانی بر کشور را به مائسا، مادر بزرگش، اختصاص دادند؛ اما در حالی که جولیا مائسا در تلاش بود که همانند خواهرش جولیا دومنا خودش را بزرگ‌ترین حاکم پشت تاج و تخت معرفی کند و بنابراین تنها قدرتمندترین زن جهان شود، هلیوگابال در زندگی شخصی شروع به رفتارهایی ناشایست کرد و این رفتارها بر دولت تأثیر منفی و خطرناک زیادی گذاشت.

مورخان بعدی معتقدند که هلیوگابال نسبت به سنت‌های مذهبی روم بی‌اعتنایی نشان داده است. وی خدای هلیوگابال را که رئیس کاهن اعظم وی بود، جایگزین رئیس سنتی پانتئون روم، ژوپیتر کرد. وی اعضای اصلی دولت رم را مجبور به شرکت در آیین‌های مذهبی بزرگداشت این خدای که ریاست معبد آن را بر عهده داشت، کرد. او با چهار زن؛ از جمله یک باکره و ستال ازدواج کرد و از درباریان مردی که تصور می‌کردند دوستداران او بودند، احسان کرد. رفتار او گارد پرتورین، سنا و مردم عادی را نسبت به خود بیگانه کرد. در میان مخالفت‌های فزاینده، هلیوگابال، ۱۸ ساله، ترور شد و پسرخاله اش الکساندر سوروس در مارس ۲۱۲ جایگزین شد. توطئه بر ضد هلیوگابال و مادرش توسط مادر بزرگ قدرتمندش، جولیا مائسا که بر امپراتوری در کنار او و دخترش یعنی مادر هلیوگابال جولیا سوئمیاس حاکم

به سوی اربلا تاختند و در آنجا بود که قیصر روم کاری را کرد که هیچ‌یک از بزرگان تاریخ انجام نمی‌دادند. او قبور پادشاهان (ادیابن) را تخریب کرد و استخوان‌های بزرگان آن دیار را از قبور بیرون افکند و اسائه ادب به بزرگان آن سرزمین نمود؛ زیرا آن قبور را به جای مزار پادشاهان اشکانی گرفته بود. در اینجا معلوم می‌شود که تا چه اندازه رومیان از پارتی‌ها کینه به دل داشتند که برای اطفاء آن دست به چنین عمل زشتی زدند. وقتی به صفحات گذشته تاریخ پارت برمی‌گردیم و شکست‌ها و تحقیرهایی که رومیان در زمان (ارد) (فرهاد چهارم) (بلاش اول) متحمل شدند را می‌بینیم، متوجه می‌شویم که فتوحات آنان در زمان (تراژن) (سوروس) (وروس) نمی‌توانسته جبران مافات را برای آنان بکند.

حکومت امپراتور روم کاراکالا که بین سال‌های ۲۱۱ و ۲۱۷ بعد از میلاد حکومت کرد، بر اساس منابع ادبی، یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های سلطنت امپراتور روم، وسواس ظاهری او نسبت به اسکندر مقدونی بود، کاراکالا می‌خواست از اسکندر مقدونی تقلید کند.

آرمان‌ها و اهداف بلندپروازانه اسکندر مقدونی مدت‌ها پس از مرگش بر جهان باستان خودنمایی کرد؛ زیرا پادشاه مقدونی که ارتش خود را از یونان به هند هدایت می‌کرد، اثری پاک‌نشده‌ی فرهنگ جهان هلنیستی و سپس روم بر جای گذاشت. امپراتوری و بعداً استعمارهای فاتح امپراتوری ایران به یک ایده تکرار شونده در داخل امپراتوری تبدیل شد و هنر و فرهنگ را به طرق مختلف شکل داد.

ماکریوس

تاریخ تولد ۱۶۴ میلادی

امپراتور روم از حدود ۲۱۷ میلادی تا ۲۱۸ میلادی.

مارکریوس در قیصریه، موریتانی زاده شد و به خدمت امپراتور سوروس درآمد.

در زمان امپراتور کاراکالا پرایتور ارشد شد. توطئه قتل کاراکالا را با موفقیت اجرا کرد و سربازانش او را امپراتور خواندند.

سال بعد به دست سردان الاگابالوس که جانشین وی شده بود، به قتل رسید.

هلیوگابال (مارکوس اورلیوس آنتونینوس)

هلیوگابالوس یا هلیوگابال یا مارکوس اورلیوس آنتونینوس (زاده پیرامون ۲۰۳ - مرگ ۱۱ مارس ۲۱۲) امپراتور روم از ۲۱۸ میلادی تا سال مرگش بود. سلطنت کوتاه او به دلیل رسوایی‌های مادی و جنجال‌های مذهبی مشهور بود. او پسرخاله امپراتور کاراکالا بود و از یک خانواده برجسته عرب-رومی در امسا (حمص)،

بود طراحی شده و توسط اعضای ناراضی گارد پرتورین انجام شد.

الکساندر سوروس

در زمان امپراتوری وی، سلطنت ۱۳ ساله‌اش که طولانی‌ترین دوره سلطنت یک امپراتور انفرادی از زمان آنتونینوس پیوس بود، در سال‌های نخست سلطنت خود، مادر بزرگش جولیا مائسا و مادرش جولیا مامیا حق کنترل او (بنابراین حق مدیریت امپراتوری) را در دست گرفتند و هر روز در رأس ارگان‌های امپراتوری در سنای روم نشستند و بر امور دولت نظاره‌گر بودند و از سوی الکساندر تصمیمات را اتخاذ کرده و اصلاحاتی را در امپراتوری ایجاد می‌کردند.

دو جولیا برای ایجاد یک امپراتوری معتدل و با شرافت در تلاش بودند، با مرگ جولیا مائسا دخترش جولیا مامیا به تنهایی در رأس دولت امپراتوری و اثرگذاری بر پسرش الکساندر قرار گرفت و او با جدیت تلاش می‌کرد دولت را در نهایت خوبی و آرامش نگهدارد. الکساندر پس از رسیدن به بزرگسالی که همچنان خود را ناتوان در امور دید، الکساندر برای اینکه اقتدار مادر خود را همچنان بر سرش نگهدارد احترام خود را نسبت به مادرش جولیا مامیا تأیید کرد و مقام *consors imperii* (شریک در حاکمیت) به او داد، این مقام در گذشته به‌طور عملاً به دوزن دیگر آگریپینا جوان و جولیا دومنا هم داده شده بود، همچنین مارکوس آنورلیوس این مقام را برای لوسیوس وروس برگزیده بود که او را به‌عنوان یک امپراتور مشترک به‌طور کامل همراهی می‌کرد؛ اما جولیا مامیا اولین زنی بود که با استفاده از این مقام از قدرت مشترک مثل لوسیوس وروس استفاده می‌کرد (درده مردانه اما از طریق منافع قدرت پسرش و در عین حال بدون محبوبیت).

الکساندر همچنین در طول وجود امپراتوری متحد دومین و جوان‌ترین فرد امپراتور قانونی روم بود که جوان‌ترین آن‌ها گوردیان سوم بود. زمان سلطنت الکساندر با صلح بسیار رونق داشت. با این حال، روم از نظر نظامی با ظهور امپراتوری ساسانیان و رشد روزافزون قبایل ژرمن‌ها به مقابله برخاست. وی با مشورت با مادرش به جنگ با ساسانیان پرداخت و با روابط دیپلماسی موفق شد تهدید ساسانیان را که در اوج قدرت‌گیری در منطقه بود بررسی کند؛ اما هنگام مبارزه علیه قبایل ژرمنی، الکساندر این بار هم به تحریک مادرش تلاش کرد تا با درگیر کردن دیپلماسی و رشوه‌خواری صلح کند. این امر و همچنین به‌ویژه کاهش دستمزد سربازان توسط جولیا مامیا باعث از بین رفتن محبوبیت وی در بین بسیاری از افراد در ارتش روم و ناراضی‌بانی در پایگاه‌های نظامی امپراتوری شد و منجر به توطئه‌ای گسترده شد که در نهایت به‌ترور الکساندر

و مادر قدرتمندش جولیا مامیا و مشاوران آن‌ها ختم شد و در نهایت باعث پیوستن ماکسیمینوس تراکس به تاج و تخت امپراتوری شد. مرگ الکساندر واقعه تمام شدن صلح اقتصادی و مدنی و آغاز دوران بحران قرن سوم و درگیری نظامی را رقم زد. تقریباً ۵۰ سال جنگ داخلی، حمله خارجی و فروپاشی اقتصاد پولی بود. در نهایت تقسیم امپراتوری را در شرق و غرب رقم زد.

رومولوس آگوستوس (دوره متأخر باستان) - پایان دردناک دوران امپراتوری



حدود ۴۷۵ میلادی، موزه ملی روم، ایتالیا.

در روز ۴ سپتامبر سال ۴۷۶ میلادی اودوآکر، رئیس یک قبیله بربر، رمولوس آگوستوس، امپراتور رم غربی را از سلطنت خلع کرد و امپراتوری رم غربی مضمحل شد.

اودوآکر پادشاه هرول‌ها یک قبیله ژرمنی، یکی از مقامات سابق دربار آتیلا بود. او سپس با افرادش به خدمت امپراتوری رم غربی درآمد.

اودوآکر که قدرت یافته بود، از ضعف امپراتوری رم غربی سود جست و اورسته امپراتور را خلع کرد و پسر خردسال او را به نام رمولوس آگوستوس (وی بیشتر به‌عنوان شخصیت نمادین در تاریخ شناخته می‌شود تا یک فرمانده نظامی واقعی) را به جای پدرش به تخت سلطنت نشانند.

در روز ۲۳ اوت سال ۴۷۶ میلادی اودوآکر از سوی نیروهای ژرمن

جزیره سیسیل و دالماسیا را تصرف می‌کند و پس از استقرار قدرتش امپراتوری رم شرقی را مورد حمله قرار می‌دهد. زنون برای رفع فتنه اودوآکر از تئودوریک پادشاه اوستروگوت‌ها کمک می‌طلبد. سرانجام پس از چندین نبرد، تئودوریک به دشواری موفق به شکست و قتل اودوآکر می‌شود. به هر حال، امپراتوری رم غربی دیگر از نقشه جهان حذف شده بود.

با اضمحلال امپراتوری رم غربی، شهر رم که در زمان شکوه خود یک میلیون نفر جمعیت داشت، دچار زوال شد به طوری که چند ده هزار جمعیت آن در ویرانه‌ای که زمانی پایتخت امپراتوری پر قدرت رم بود، برای بقا تلاش می‌کردند.

ادوارد گیبیون درباره نابودی و سقوط روم گفته است: شاید عظیم‌ترین و دلخراش‌ترین صحنه در تاریخ بشر بوده است.

تبار به مقام پادشاهی انتخاب می‌شود. او در نبردی در پاپویا، اورسته را که گریخته بود شکست داده و به قتل می‌رساند.

اودوآکر پس از اینکه رمولوس آگوستوس را از سلطنت برکنار می‌کند، برای حفظ ظاهر نشان‌های سلطنتی را برای زنون امپراتور رم شرقی در کنستانتینوپل (قسطنطنیه) ارسال می‌کند که به نوعی به مفهوم اتحاد دوباره دو بخش امپراتوری رم بود.

امپراتوری رم نزدیک به یک قرن پیش از این تاریخ در سال ۳۹۵ میلادی پس از مرگ تئودوسیوس به دو امپراتوری رم غربی به مرکزیت شهر رم و امپراتوری رم شرقی به مرکزیت کنستانتینوپل (قسطنطنیه) تجزیه شده بود. اودوآکر شهر رونا را پایتخت خود کرده و قدرت خود را بر شبه جزیره ایتالیا گسترش می‌دهد. او

نیم‌تنه فونسکا، بلندی ۶۳ سانتیمتر، آغاز قرن دوم پس از میلاد، محل نگهداری: موزه کاپیتولین روم.



وندال‌ها و سقوط امپراتوری روم

حاشیه دراز و باریک ساحل شمالی آفریقا سراسر پوشیده از آثار فراوان هنر و عظمت روم بود و درجات رونق و آبادانی هر جایی را می‌توانستند برحسب فاصله آنجا از کارتاژ و مدیترانه اندازه بگیرند. در آینه خیال هر شخص اندیشمندی به اندکی تأمل تصویری بسیار روشن از حاصلخیزی نقش خواهد بست. سرزمین آفریقای شمالی بسیار معمور بود و سکنه آن قوت فراوان برای مصرف خود ذخیره می‌کردند و صدور سالانه غلات علی‌الخصوص گندم مرتب و در حد وفور بود؛ چندان‌که آفریقا باید به حق انبار غله روم و همه عالمیان خوانده شده باشد؛ اما ناگهان هفت ایالت حاصلخیز شمال آفریقا، از طنجه تا طرابلس همه در برابر هجوم لشکر واندالی پایمال گردید. (گیبیون) این تصرف‌ها به این قوم مهاجم این امکان را داد که کنترل شهرهای مدیترانه و نواحی دور دست را به دست بگیرند و شهر در سال ۴۷۶ میلادی غارت و تصرف کنند (نویسنده).



نیمتنه فونسکا (یا به نوعی همسر جوان فلاویان)، در این اثر زیسر دیس زن را مشاهده می‌کنیم که سرش را کمی به سمت چپ خم کرده است. این اثری که دارید مشاهده می‌کنید، دارای بینی نوک تیز و ویژگی‌های نه‌چندان ظریف است؛ همانند استخوان گونه‌ها که به صورت برجسته مشاهده می‌شود. در اینجا گردن این بانو کاملاً بلند و البته لاغرمانند است و منتهی به سمت سینه‌اش می‌گردد که به نظر می‌رسد با پارچه‌های گشاد پوشیده شده باشد. در این اثر هنری که بسیار زیبا و چشم‌نواز است البته از نظر خودم کمی به سردی احساس می‌شود. گیسوهای این بانو در سمت جلو صاف است؛ اما در عین حال از حلقه‌های زیادی گره تشکیل شده است که زیبایی این اثر را دوچندان می‌سازد. در پشت سر این تندیس، بقیه این گیسوها را به صورت یک بافته پهن کشیده شده است. همچنین پچک‌های بافت گیسوان این بانو، گردن فونسکا را به زیبایی به نمایش می‌گذارد (منبع: art: 488a ancient Mediterranean portraiture)

چهره این پیکره بسیار زیبا و متفکرانه به نظر می‌رسد (نقل قولی از نویسنده)

سرباز، ساخته شده اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم میلادی



تصویر یک سرباز، جنس عاج، اواخر امپراتوری روم باستان، محل کشف آخن، آلمان، سال ساخت اثر حدوداً قرن چهارم میلادی

باشکوه هنوز هم چیزی از پرسش‌های ما نکاسته است. تمدن روم چگونه و به چه دلایلی سقوط کرد و نابود شد و چطور بعد از ۱۲ قرن دوباره مورد بررسی و بازبینی قرار گرفت؟ هنوز بر ما دانشجویان یا استادان نمی‌توان نظریه‌ای قطعی و روشن از تاریخ را ارائه بدهیم و دلیل آن هم این است که اطلاعات و دانش اندکی از این‌گونه تمدن داریم و هنوز هم با سؤال‌های بی‌شماری مواجه هستیم که بتوانیم با پژوهش‌های بیشتر در این تاریخ کمی از سؤالاتمان را جواب داده باشیم.

اعلام عدم تعارض منافع: نویسنده/نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منفعی برای ایشان وجود نداشته است.

منابع و مآخذ

- آرماتین، توماس. (۱۴۰۱)، روم باستان (از رومولوس تا یوستینیان)؛ ترجمه دکتر محمد ملکی، تهران: شفیعی.
- اورلیوس، مارکوس. (۱۴۰۰)، تأملات؛ ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
- بدیع، امیرمهدی. (۱۳۸۸)، یونانیان و بربرها، جلد سیزدهم؛ ترجمه قاسم صنعوی، تهران: توس.
- بن سعدون، نای. (۱۳۸۵)، حقوق زن (از آغاز تا امروز)؛ ترجمه گیتی خورسند، تهران: کویر.
- پورکیبیوس. (۱۳۹۲)، جنگ‌های پارسیان: ایران و روم؛ ترجمه محمد سعیدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- جورج، مارگارت. (۱۴۰۲)، اعترافات نرون جوان، ترجمه محمد مهدی درویشی، تهران: دیدآور.
- رحیمی امین، معصومه. (۱۳۹۸)، هنر مجسمه‌سازی در غرب، یونان ایتالیا و...، تهران: تلاش اندیشه.
- شکسپیر، ویلیام. (۱۴۰۰)، جولیس قیصر؛ ترجمه ابوالحسن تنهایی، تهران: نگاه.
- عادل‌پور، هادی. (۱۳۸۶)، زنوبیا، تهران: دنیای کتاب.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۶)، انسان‌شناسی شهری، تهران: نی.
- کریستن سن، آرتور. (۱۳۶۰)، ایران در زمان ساسانیان؛ ترجمه رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر.



شمشیر وندال، قرن پنجم میلادی

جمع‌بندی

هنر روم باستان نمایانگر ترکیبی از تأثیرات فرهنگی و نوآوری‌های فنی است که به شکوفایی تمدن روم بی‌تأثیر نبوده است. در تمام دوران زمامداری امپراتوران نامبرده شاید به‌نوعی یکسان‌انگاری در بیشتر سکه‌های رومی دیده می‌شود. این نوع نگرش در دوران باستان زیاد مرسوم بود؛ اما در سیر پیکرتراشی رومی شخصیت‌ها و افراد و ملکه‌ها دارای ابهت و قدرت بی‌مانندی از خود به یادگار گذاشته‌اند که تاکنون این نوع آثار مایه شگفتی هنرمندان و باستان‌شناسان است.

در طول تاریخ، روم همواره دارای فرازونشیب‌هایی بوده است که با مطالعه آثار تاریخی رومی همانند سکه‌ها و مجسمه‌های برجای مانده می‌توان به راحتی پی برد. تاریخ را افراد می‌سازند و طی فرایندی پایان‌ناپذیر، این تاریخ توسط باستان‌شناسان، مورخان و پژوهشگران مختلف از نو تولید و بازساخته می‌شود. براساس داده‌های باستان‌شناختی و منابع تاریخی و فرهنگی عظیم این تمدن

- کلی، کریستوفر. (۱۴۰۱)، آشنایی با امپراتوری روم؛ ترجمه خشایار بهاری، تهران: فرهنگ معاصر.
- کوروفکین، فنودور. پ. (۱۳۷۹)، تاریخ روم باستان؛ ترجمه غلامحسین متین، تهران: محور.
- گیبیون، ادوارد. (۱۳۷۰)، انحطاط و سقوط امپراتوری روم؛ ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران: علمی و فرهنگی.
- گیبیون، ادوارد. (۱۳۸۰)، انحطاط و سقوط امپراتوری روم؛ ترجمه فرنگیس شادمان، تهران: علمی و فرهنگی.
- گیبیون، ادوارد. (۱۳۹۵)، مسیحیان و سقوط روم؛ ترجمه مرضیه خسروی، تهران: روزگار.
- ناردو، دان. (۱۳۹۳)، اسطوره‌های یونان و روم؛ ترجمه عسگر بهرامی، تهران: ققنوس.
- ناردو، دان. (۱۳۹۷)، انحطاط و سقوط امپراتوری روم؛ ترجمه منوچهر پزشکی، تهران: ققنوس.
- ناردو، دان. (۱۳۹۷)، جمهوری روم؛ ترجمه سهیل سمی، تهران: ققنوس.
- ناردو، دان. (۱۴۰۳)، تمدن‌های گمشده رومیان باستان؛ ترجمه مهدی حقیقتخواه، تهران: ققنوس.
- faces of power: roman gold coins from victor a. adda collection , 2019, israel museum puplished.
- ROME AND THE BABARIANS, PROFOSER KENNETH W. HARL, 2013, PUBLISHED THE TEACHING AND THE GREAT CORSE COMPANY.
- Gaiseric, ian hughes, 2017, pen and sword military puplished.
- Ancient rome, 2008, the british museum press.

نحوه ارجاع به این مقاله:

دانش صدیق، محمدعلی (۱۴۰۴). بررسی آثار پیکرتراشی و نقش برجسته‌ها در روم باستان. فصلنامه علمی مطالعات هنر و زیبایی‌شناسی، سال پنجم، شماره ۱۷ (پاییز ۱۴۰۴)، صص ۱۳۲-۱۵۳.

©Authors, Published by **Art and Aesthetics Studies Quarterly**. This is an open-access paper distributed under the CC BY (license: <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

